



## تجارت خارجی ایران در دوره صفویه

فتوحات حکومت صفویه در مرکز، شمال غرب، شرق و جنوب ایران باعث تسلط آن بر راهها و مراکز تجاری شد. اگرچه این فتوحات باعث درگیری این حکومت با همسایگان ایران در مرزهای شمال غرب و شرق شد و رقابت بر سر راهها و مراکز تجاری یکی از مهمترین علل درگیری بود، فعالیت تجاری و ارتباط با شرق و غرب در دوره طولانی این جنگها همچنان ادامه داشت.

اهمیت تجارت باعث شد که قراردادی میان ایران و امپراتوری عثمانی امضا شود که چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، بازرگانی و تجارت میان دو کشور بدون مانع انجام گیرد و کاروانهای تجاری در امنیت کامل رفت و آمد کنند.<sup>۱</sup> و چنانکه خواهیم دید، این ارتباط از ابتدای حکومت صفویه به طور گسترده و پیوسته وجود داشت؛ به جز مواقعی که ایران و امپراتوری عثمانی از تجارت و راههای تجاری به عنوان اهرم فشار بر یکدیگر استفاده می‌کردند.

ارتباط تجاری از طریق مرزهای شرقی نیز برای حکومت صفویه و همسایگانش دارای اهمیت بسیاری بود. در نامه‌ای که شاه اسماعیل اول در سال ۹۱۶ ه. به شیبک خان

۱. آدام اولتاریوس. سفرنامه. ترجمه احمد بهپور، چ اول، تهران، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳، ص ۲۸۰.

از یک نوشته به مسئله اهمیت تجارت ایران و ماوراءالنهر اشاره شده است و از وی خواسته شده است که در راه تجارت ایران با ماوراءالنهر مانع و مشکلی ایجاد نکند.<sup>۲</sup>

در این مقاله سعی شده است با مطرح کردن سه مبحث به شرح زیر:

الف. راهها و مراکز تجاری،

ب. صادرات و واردات کالا،

ج. تجارت ابریشم

به اهمیت تجارت خارجی ایران به عنوان یکی از منابع مهم درآمد دولت صفویه پرداخته شود.

### الف. راهها و مراکز تجاری

حکومت صفویه با فتح ایالات واقع در مرزهای شمال غرب و مرکز ایران، بر راههای تجارت با اروپا و مراکز تجاری واقع در این نواحی مسلط شد و به ایالات ثروتمندی دست یافت که در پیشرفت تجارت ایران در دوران این حکومت نقش بسزایی ایفا کردند. استانبول در کنار دریای سیاه که اولین ایستگاه تجاری شرق با اروپا بود، از طریق ایالات واقع در شمال غرب ایران با تبریز ارتباط پیدا می کرد و ایالات مرکزی ایران این ایستگاه را با اصفهان مرتبط می ساخت.

راه تجاری معروف استانبول<sup>۳</sup>، توقات<sup>۴</sup>، ارزروم<sup>۵</sup>، قارص<sup>۶</sup>، ایروان<sup>۷</sup>، نخجوان<sup>۸</sup>، جلفا<sup>۹</sup>، تبریز<sup>۱۰</sup>، از این ایالات می گذشت و از تبریز به سوی مرکز ایران امتداد یافته از

۲. قاضی احمد قمی. خلاصه التواریخ. به تصحیح احسان اشراقی، ج اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۰۷.

۳. ژان بانیتس تاورنیه. سفرنامه. ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، ج چهارم، تهران، سنایی و اصفهان، تأیید، ۱۳۶۹، ص ۲۲.

۴. همان، ص ۲۶. ۵. همان، ص ۳۳.

۶. همان، ص ۳۸. ۷. همان، ص ۵۰.

۸. همان، ص ۵۵. ۹. همان، ص ۶۲.

۱۰. همان، ص ۶۳.



طریق اردبیل، قزوین، قم و کاشان به اصفهان<sup>۱۱</sup> می‌رسید. حلب در کنار دریای مدیترانه که دومین ایستگاه تجاری با اروپا محسوب می‌شد، از طریق ایالات مرکزی و غربی ایران با مراکز تجارتی کشور ارتباط برقرار می‌ساخت. این شهر از طریق دیاربکر<sup>۱۲</sup> و وان<sup>۱۳</sup> با تبریز<sup>۱۴</sup>؛ و از طریق موصل<sup>۱۵</sup>، بغداد<sup>۱۶</sup>، بصره<sup>۱۷</sup>، با جزیره هرمز<sup>۱۸</sup>؛ و از طریق دیاربکر<sup>۱۹</sup>، اورفا<sup>۲۰</sup>، موصل<sup>۲۱</sup> به سنندج<sup>۲۲</sup> و همدان<sup>۲۳</sup> می‌رسید و از آنجا به اصفهان می‌رفت.

شهرهای واقع در کنار این راهها در شمار مهمترین مراکز تجاری بودند و از نظر تجاری از سابقه‌ای طولانی برخوردار. بررسی اوضاع تجاری آنها در تبیین فتح آنها به ما کمک خواهد کرد؛ و از آنجا که در مباحث مختلف این مقاله مانند تجارت ابریشم، صادرات و واردات بارها از این مراکز نام برده می‌شود، لذا اشاره به اوضاع تجاری آنها ضروری می‌نماید.

تبریز مرکز ولایت آذربایجان یکی از مهمترین این مراکز بود که در سال ۹۰۷ هـ. توسط شاه اسماعیل فتح شد. موقعیت جغرافیایی این شهر، آن را به نقطه تلاقی یک رشته راههای تجاری بدل کرده بود، به نقش این شهر در ارتباط تجاری مشرق زمین با اروپا از طریق استانبول و حلب اشاره شد. از این شهر به نام یکی از مراکز مهم تجاری ایران یاد شده است. در قرن هفتم هجری تجارت تبریز شهرت جهانی داشت و بازرگانان از سراسر دنیا، از هندوستان، بغداد و موصل برای خرید و فروش به آنجا می‌آمدند و بازرگانی که با خارج دادوستد می‌کردند، از افراد متمول شهر بودند.<sup>۲۴</sup> این شهر تا قرن نهم و دهم

- |   |                  |
|---|------------------|
| ۱۱. همان، ص ۷۳.   | ۱۲. همان، ص ۲۷۸. |
| ۱۳. همان، ص ۲۸۲.  | ۱۴. همان، ص ۲۸۵. |
| ۱۵. همان، ص ۲۱۴.  | ۱۶. همان، ص ۲۲۶. |
| ۱۷. همان، ص ۲۲۸.  | ۱۸. همان، ص ۲۴۴. |
| ۱۹. همان، ص ۱۷۶.  | ۲۰. همان، ص ۱۷۷. |
| ۲۱. همان، ص ۱۸۵.  | ۲۲. همان، ص ۱۹۶. |
| ۲۳. همان، ص ۱۹۷.  |                  |
| ۲۴. مارکوپولو. سفرنامه. با مقدمه ماسفیلد، ترجمه حبیب‌الله صحیحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۳۱. |                  |

هجری نیز رونق تجاری خود را حفظ کرد و بازارهای متعدد آن از مراکز فعال اقتصادی محسوب می‌شد. ابریشم بسیاری به کاروانسراهای این شهر وارد شده و از آنجا به حلب فرستاده می‌شد و اجناس ابریشمی ساخت یزد و پارچه‌های پشمی و سایر اجناس در بازار آن به فراوانی یافت می‌شد.<sup>۲۵</sup> اروپاییانی که در زمان حکومت شاه طهماسب اول از ایران دیدن کرده‌اند، از تبریز به عنوان عمده‌ترین شهر ایران نام برده‌اند.<sup>۲۶</sup> شهر تبریز تا زمان شاه سلطان محمد خدابنده رونق تجاری و اقتصادی خود را همچنان حفظ کرده بود و در این دوران نیز بازاریان تبریز از افراد متمول و ثروتمند شهر بوده‌اند که خانه‌های عالی و تجملات زندگی آنها توسط مورخان این دوره توصیف شده است.<sup>۲۷</sup> آبادانی و رونق اقتصادی این شهر به جایی رسید که در تمام بلاد اسلام شهری به آبادانی آن یافت نمی‌شد.<sup>۲۸</sup> حملات پیوسته امپراتوری عثمانی به این شهر تأثیر زیادی در رونق تجاری آن تا این دوره نداشت. اما تصرف این شهر توسط امپراتوری عثمانی که به مدت بیست‌سال از سال ۹۹۲ هـ. تا سال ۱۰۱۲ هـ. به طول انجامید به تجارت آن آسیب بسیاری وارد آورد و فعالیت تجاری این شهر به مدت بیست‌سال متوقف شد. میزان خسارت وارده به این شهر تا اندازه‌ای بود که پس از آزادی آن توسط شاه‌عباس اول به ویرانه‌ای تبدیل شده بود.<sup>۲۹</sup> بعدها این شهر رونق تجاری خود را بازیافت؛ به طوری که جهانگردان اروپایی که پس از شاه‌عباس اول از ایران دیدن کرده‌اند، رونق تجاری این شهر را ستوده‌اند. تجارت پیشرفته این شهر باعث شد که تاورنیه آن را یکی از معروف‌ترین شهرهای آسیا بنامد<sup>۳۰</sup> که در اثر تجارت، گردش پول در آن بیش از دیگر نقاط آسیا بود.<sup>۳۱</sup> در این شهر، بازارها و دکانها و کاروانسراهای باشکوه متعددی برای کالاهای بازرگانی بنا کرده بودند و این شهر روابط تجاری وسیع و گسترده‌ای با

۲۵. آمبروزیو کنتارینی. سفرنامه. ترجمه منوچهر امیری، ج اول، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، ص ۱۳۷.  
 26. *A Chronicle of the Carmelite in Persia and Papel Misson of the Seventeenth and Eighteenth Centuries*, VI, P. 50.

۲۷. اسکندریگ ترکمان. تاریخ عالم‌آرای عباسی. ج اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴، ص ۳۰۸.

۲۸. همان. ج دوم، ص ۶۳۹.

۳۰. تاورنیه. سفرنامه. ص ۶۷.

۳۱. همان، ص ۶۶.



امپراتوری عثمانی، عرب‌ها، گرجی‌ها، هندی‌ها و دولت مسکوی داشته، بازارهای سرپوشیده آن همیشه پر از کالاهای نفیس بود.<sup>۳۲</sup> وقتی که شاردن در دوره شاه عباس دوم از این شهر دیدن می‌کرد، از نظر مقام و عظمت، ثروت و مکنّت تجاری و تعداد نفوس دومین شهر ایران به شمار می‌رفت.<sup>۳۳</sup> بازار قیصریه این شهر که توسط اوزون‌حسن ساخته شده بود مرکز معاملات کالاهای گرانبها و جواهرات بود و وجود سیصد کاروانسرا در آنجا حکایت از رونق تجارت آن داشت.<sup>۳۴</sup>

توماس هربرت شهرت تبریز را به خاطر تجارت غیردریایی آن می‌داند.<sup>۳۵</sup> زمانی که اولیاء چلبی، جهانگرد ترک از ایران دیدن می‌کرد، در بازار این شهر در حدود هفت هزار دکان وجود داشت<sup>۳۶</sup> و بنا به قانون شاه صفی تمام معاملات به پول ایران که واحدهای آن بیستی<sup>۳۷</sup> و عباسی<sup>۳۸</sup> و آلتون<sup>۳۹</sup> بود، صورت می‌گرفت و سکه و پول خارجی در آنجا رواج نداشت.<sup>۴۰</sup>

اردبیل دومین شهر تجارتي در ولایت آذربایجان بود. جغرافیدانان مسلمان در قرن چهارم هجری از این شهر به عنوان بزرگترین شهر این ولایت نام می‌برند<sup>۴۱</sup> که از تبریز نیز بزرگتر بود.<sup>۴۲</sup> جمعیت بسیار و وفور کالاهای تجارتي در بازار اردبیل در دوره شاه عباس اول، جهانگردان اروپایی را به تحسین واداشته است. این شهر بر سر

۳۲. همان، ص ۶۷.

۳۳. شاردن. سیاحتنامه. ترجمه محمد عباسی، ج دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵، ص ۴۰۲.

۳۴. همان، ص ۴۰۴.

35. Thomas Herbert. *Travel in Persia, 1627-1629*, Edited by Sir William Foster, London, 1928, P.197.

۳۶. اولیاء چلبی. سیاحتنامه (قسمت آذربایجان، تبریز). به قلم حسین نخجوانی تبریزی، تبریز، بی‌تا، ۱۳۳۸، ص ۲۸.

۳۷. معادل بیست و دو دینار در: شاردن. سیاحتنامه. ج ۴، ص ۳۸۳.

۳۸. پنجاه عباسی برابر یک تومان. (همان). ۳۹. سکه طلا در: لغت‌نامه دهخدا.

۴۰. اولیاء چلبی. همان. ص ۲۷.

۴۱. ابواسحق اصطخری. مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار، ج سوم، تهران، علمی و فرهنگی،

۱۳۶۸، ص ۱۵۵. ۴۲. همان، ص ۱۵۶.

چهارراهی مهم واقع شده بود و از ارمنستان، کردستان، گرجستان، قفقاز و گیلان، کالای فراوان به آن وارد می‌شد.<sup>۴۳</sup> الٹاریوس بخشی از شهرت تجاری اردبیل را به خاطر موقعیت تجاری آن می‌داند.<sup>۴۴</sup> مراکز تجاری واقع در ولایت عراق عجم، با دومین عملیات جنگی شاه اسماعیل که در سال ۹۰۷ هـ. در متصرفات آق‌قویونلوها در این منطقه صورت گرفت، به دست حکومت صفویه افتاد. فتح عراق عجم در اذهان معاصران شاه اسماعیل اثر عمیقی بخشید و از اطراف و اکناف برای تهیت این فتح، هدایا و پیشکشهایی به دربار صفویه فرستاده شد. اسکندریگ ترکمان این فتح را «طراز فتوحات سلاطین عالم» می‌نامد.<sup>۴۵</sup> بر اثر تسلط بر این ناحیه، ثروت خزانه شاهی فزونی گرفت. غنایمی که شاه اسماعیل اول در اثر فتح این ایالت به دست آورد بسیار قابل توجه بوده است تا آنجا که میزان طلا و جواهر به دست آمده از این ایالت ثروتمند، مورخان دوره صفویه را به تحسین واداشته است.<sup>۴۶</sup>

شهر کاشان که همواره یکی از مهمترین مراکز تجاری ایران بوده است، در این ایالت واقع شده بود. این شهر از نظر تجاری شهرت جهانی داشت. دیبای هفت‌رنگ و دیگر پارچه‌هایی که از امپراتوری عثمانی و مصر و کشورهای اروپایی وارد می‌شد، در بازار این شهر به فراوانی یافت می‌شد.<sup>۴۷</sup> به هنگام سفر توماس هربرت انگلیسی به این شهر در دوره شاه عباس اول، کاشان از نظر ثروت دومین شهر مشهور ایران به شمار می‌رفت و دارای بازار بزرگی بود. ابریشم، حریر و قالیهای ابریشمی و جواهرات در بازار آن به وفور یافت می‌شد؛ به طوری که این جهانگرد اروپایی اظهار می‌کند که در هیچ جای دنیا کالاهایی به مرغوبی کالاهای بازار کاشان ندیده است.<sup>۴۸</sup> در دوره شاه صفی این شهر

۴۳. پیتر دلاواله. سفرنامه. ترجمه شعاع‌الدین شفا، ج دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۳۶۷.

۴۴. اولٹاریوس. همان. ص ۱۱۹.

۴۵. اسکندریگ ترکمان. همان. ج اول، ص ۲۹.

۴۶. خورشاهین قبادالحسینی. تاریخ ایلچی نظام‌شاه، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۵، ش ۲۳۲۲، ص ۴۶۴.

۴۷. خواندمیر. تاریخ حبیب‌السیر، جزء چهارم از مجلد سوم. تهران، خیام، ۱۳۳۳، ص ۴۷۳.

48. Thomas Herbert, *idem*, P. 217.



همچنان یکی از مهمترین شهرهای ایران از نظر بازرگانی بود. کاروانسراهای باشکوهی داشت و مردمانی از اقوام و ملیتهای دیگر مانند هندی‌ها برای انجام کار تجارت در این شهر به سر می‌بردند.<sup>۴۹</sup> راه تجاری استانبول- تبریز جهت رسیدن به اصفهان از این شهر می‌گذشت و چنان‌که اشاره خواهد شد، این شهر نقش مهمی در افزایش درآمد کشور از طریق تجارت ابریشم به عهده داشت.

اصفهان یکی دیگر از شهرهای این ایالت بود که از مراکز مهم بازرگانی ایران به شمار می‌رفت و شهرتی جهانی داشت. در دوره شاه‌عباس اول سه محله معروف در این شهر وجود داشت: محله تبریزیان که بیشتر ساکنان آن از بازرگانان متشخص تبریز بودند که به این شهر کوچ داده شده بودند؛ محله جلقای جدید که ارمینان در آن ساکن بودند، و محله یهودی‌های یزد و کرمان.<sup>۵۰</sup> جمعیت این شهر در حدود هشتاد هزار خانوار بود.<sup>۵۱</sup> رونق اقتصادی این شهر در این دوره به جایی رسید که پیتر و دلاواله درباره آن می‌نویسد:

«در مشرق‌زمین به استثنای قسطنطنیه و حومه آن، واقعاً هیچ‌یک از نقاط دیگر را نمی‌توان با اصفهان مقایسه کرد».<sup>۵۲</sup>

شهرت تجاری این شهر باعث شده بود که مردمانی از اقوام و ملیتهای گوناگون مانند هندی‌ها، تاتارها، شاخه‌های مختلفی از ترک‌ها، یهودی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌ها برای انجام امور تجاری در این شهر زندگی کنند.<sup>۵۳</sup> جان فرایر که در دوره شاه‌عباس اول از ایران دیدن می‌کرد، شهر اصفهان را از مراکز عمده کشور می‌داند که گروههای زیادی از ملیتهای مختلف دنیا برای کار تجارت در آنجا گرد آمده بودند و می‌نویسد، قبل از اینکه اروپاییان راه دریایی تجارت با هند را بیابند، این شهر انبار و بازار اصلی برای پارچه‌های هندی بوده است.<sup>۵۴</sup> شاه اسماعیل نه تنها شهرهای واقع بر سر راه تجاری با اروپا در شمال غرب را هدف

۴۹. اولتاریوس. همان. ص ۱۶۶.

۵۰. پیتر و دلاواله. همان. ص ۲۲۲.

۵۱. اروج‌بیگ بیات. دون ژوئن ایرانی، با حواشی و یادداشتهایی از لسترنج. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۶۱.

۵۲. پیتر و دلاواله. همان. ص ۳۵.

۵۳. اولتاریوس. همان. ص ۲۴۲.

54. John Fryer, *A New Account of East India and Persia*, London, 1968, P. 339.



جان فرایر



حملات خود قرار داد بلکه سعی داشت تمام مراکز تجاری و ولایات ثروتمند واقع در کنار دریای خزر و رود ارس را که در اطراف این راه واقع شده بودند نیز به تصرف درآورد. برای او تسلط بر این نواحی از تسلط بر ایالت آذربایجان و عراق عجم نیز حیاتی تر بود. از اینرو می بینیم که در سال ۹۰۵ هجری<sup>۵۵</sup> اولین اقدام شاه اسماعیل تسلط بر ایالت شروان، مرکز حکومت شروانشاهان بود که در حقیقت راه را برای فتوحات بعدی وی هموار ساخت. این ایالت در کنار دریای خزر واقع شده بود<sup>۵۶</sup> و یکی از مهمترین ولایاتی بود که در این سال فتح گردید. این ولایت تا حدود دربند باب‌الابواب امتداد داشت.<sup>۵۷</sup> رویدادنامه‌های گرجی، نام این ناحیه را به صورت «شاپوران» نوشته‌اند.<sup>۵۸</sup> مؤلف کتاب *حدودالعالم آن* را «شاوران» نوشته است.<sup>۵۹</sup> در دوره‌های متأخر مرکز این ایالت، شهر شماخی بود. از این شهر که یکی از مراکز مهم تولید ابریشم بود، جاده‌ای به امپراتوری عثمانی می‌رفت و از این سرزمین کالاهای تجاری به شماخی وارد می‌شد.<sup>۶۰</sup> از شماخی راهی به قزوین می‌رفت<sup>۶۱</sup> و راهی نیز به حاجی‌طرخان. بازرگانان و مسافران از حاجی‌طرخان و از طریق رود ولگا به مسکو می‌رفتند.<sup>۶۲</sup> به هنگام حمله شاه اسماعیل صفوی به این ولایت، شماخی مرکز آن شهری بزرگ و ثروتمند و یک مرکز عظیم بازرگانی بوده است.<sup>۶۳</sup> فتح این ناحیه از همان آغاز، ثروت زیادی برای شاه اسماعیل به همراه داشت؛ به طوری که آوازه بخششهای او در ایران و آناتولی پیچید

۵۵. اسکندریگ ترکمان. همان، ج اول، ص ۲۷.

۵۶. تاورنیه. همان. ص ۲۷۴.

۵۷. امین‌احمد رازی. *هفت اقلیم*. با تصحیح و تعلیق جواد فاضل، ج سوم، تهران، علمی، بی‌تا، ص ۲۸۶.  
58. V. Minorsky, *A History of Shervan and Darband in the 10th-11th Centuries*, Britain, 1958, P. 77.

۵۹. *حدودالعالم من المشرق الی المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲، ص ۱۶۴.  
۶۰. فدت آفاناس بویچ. *سفرنامه*. ترجمه محمدصادق همایون‌فر، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۶، ص ۴۶.

61. Thomas Herbert, *idem*, P. 197.

۶۲. تاورنیه. همان. ص ۲۸۹.

۶۳. *سفرنامه بازرگانان ونیزی*. ترجمه منوچهر امیری، ج اول، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، ص ۴۰۷.

و هنگامی که از فرمانروایان محلی گرجستان درخواست نیروی کمکی برای جنگ با الوند میرزا نمود، نیروی بزرگی به یاری وی فرستاده شد و به هنگام ورود این نیروها به شماخی، هدایای گرانبهایی از غنایمی که از این فتح به دست آورده بود، به آنها بخشید.<sup>۶۴</sup> پس از فتح این ولایت توسط شاه اسماعیل، خلفاییگ جهت انتقال گنجینه‌های پادشاهان شروان به آنجا اعزام گردید.<sup>۶۵</sup> در مورد درآمد این ایالت در دوره شاه طهماسب خبری در دست داریم که «هیچ ملکی این قدر درآمد ندارد که شروان»<sup>۶۶</sup>؛ و اسکندریگ ترکمان نیز این ولایت را ولایتی «کثیرالمنفعت» می‌داند.<sup>۶۷</sup> این شهر اهمیت تجاری خود را تا اواخر دوره صفویه همچنان حفظ کرد و تا این زمان نیز در این شهر، بازرگانی رواج کامل داشته و انباری برای کالاهای ایران و مسکو بوده است. بازرگانان مسکو در آنجا کاروانسرا و انبار داشتند و کرک و پشم و چرم و پوست و مس و مال‌التجاره‌های دیگر از کشور خود می‌آوردند.<sup>۶۸</sup> و ایرانیان و هندی‌ها در آنجا پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای و پارچه‌های زریفت و نقره‌بفت و مقدار زیادی پیله ابریشم می‌فروختند و تاتارها اسب و بره به بازار آن می‌آوردند. در این شهر تعداد زیادی هندی زندگی می‌کردند. بزرگترین امور بازرگانی را هندی‌ها در دست داشتند و ثروتمندترین بازرگانان بودند.<sup>۶۹</sup> تا ابتدای روی کار آمدن نادرشاه افشار نیز از رونق تجاری این شهر یاد شده است که هنوز از شهرهای پرجمعیت و پربرکت بوده و در اثر موقعیت مناسب خود، تجارت در آن رونق داشت و بازرگانان ارمنی، گرجی و اروپایی با این شهر رابطه داشتند و کالاهای خود را در آنجا انبار می‌کردند.<sup>۷۰</sup>

۶۴. جهانگشای خاقان. مقدمه و پیوسته‌ها الله‌دا مضرط، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴ ق، ص ۱۲۷.
۶۵. همان. ص ۴۰۸.
۶۶. عالم‌آرای شاه طهماسب. به کوشش ایرج افشار، ج اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰، ص ۸۵.
۶۷. اسکندریگ ترکمان. همان. ج اول، ص ۷۹.
۶۸. پیر بازن. نامه‌های شگفت‌انگیز از کشیشان فرانسوی در دوره صفویه و افشاریه. ترجمه بهرام فره‌وشی، ج اول، تهران، اندیشه جوان، ۱۳۷۰، ص ۳۱.
۶۹. همان. ص ۳۲.
۷۰. جونس هنوی. زندگی نادرشاه افشار. ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶، ص ۱۴۴.



بندر باکو یکی از مهمترین مراکز تولید ثروت در این ولایت بود که در مبحث صادرات و واردات به نقش تجاری آن اشاره خواهد شد.

شهر قفلیس مرکز ایالت گرجستان یکی دیگر از مراکز مهم تجاری ایران در ناحیه شمال غرب بود که نزدیکی آن به راه معروف تجارت با اروپا باعث شد از نظر تجاری و بازرگانی شهرت زیادی پیدا کند، تا آنجا که مردمان بسیاری از اقوام و ملل گوناگون برای انجام امور تجارتی به این شهر می آمدند.<sup>۷۱</sup>

اطلاعات منابع درباره تجارت مراکز مهم تجاری ایران در شرق؛ یعنی ایالت خراسان و قندهار، اندک است. ولایت خراسان در مشرق یکی از وسیع ترین مناطق محسوب می شد که مرکز آن از دوره تیموریان، شهر هرات بود. خواندمیر از آبادانی و رونق این شهر در این دوره خبر می دهد که در اثر حمله محمدخان شیبانی کاملاً ویران شد و در زمان شاه اسماعیل اول، رونق گذشته خود را بازیافت.<sup>۷۲</sup> در دوره شاه سلطان حسین بایقرا، شهر هرات به تنهایی دارای نه بلوک بود.<sup>۷۳</sup> به هنگام حمله ازبکها به هرات، این شهر از مراکز مهم تجاری ایران به شمار می رفت<sup>۷۴</sup> و صنعت ابریشم کاری در آن رواج داشت. یهودیان ساکن این شهر از ابریشم کاران ماهر در این منطقه بودند.<sup>۷۵</sup> در دوره حکومت صفویه، خراسان نیز از مراکز بافت پارچه های ابریشمی بود. در این ولایت همچنین پارچه های اطلس و حریر بافته می شد.<sup>۷۶</sup> اهمیت این منطقه برای حکومت صفویه تا آنجا بود که در ابتدا شاهزادگان صفوی را برای اداره حکومت این ناحیه به شهر هرات می فرستادند.

ولایت قندهار در شرق از دیگر مراکز مهم تجاری بود و از آنجا که بر سر راه عبور

۷۱. شاردن. همان. ج دوم، ص ۲۱۶.

۷۲. خواندمیر. همان. ص ۶۵۰.

۷۳. زین الدین محمود واصفی. بدایع الوقایع. مسکو، ۱۹۶۱، ص ۴۸۲.

۷۴. سفرنامه بازرگانان ونیزی در ایران. ص ۴۲۱.

۷۵. ابوالقاسم شهاب الدین احمد خوافی. منشاء الانشاء. اثر نظام الدین عبدالواسع نظامی، به سعی و کوشش و اهتمام رکن الدین همایون فرخ، ج اول، تهران، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۶۲.

76. *A Chronicle of the Carmelite in Persia*, VI, P. 52.

بازرگانان هندی و ایرانی قرار داشت، همیشه مورد توجه حکومت صفویه بود.<sup>۷۷</sup> علی‌رغم اینکه پس از فتح جزیرهٔ هرمز توسط شاه‌عباس بیشتر ارتباط تجاری با هندوستان از طریق این جزیره صورت می‌گرفت، راه تجاری هند که از طریق ولایت خراسان و قندهار می‌گذشت، رونق خود را از دست نداد. تاورنیه می‌نویسد تاجرانی که از مسکو و لهستان و ایالات شمالی امپراتوری عثمانی می‌آیند و می‌خواهند بدون رفتن به اصفهان و هرمز به هندوستان بروند، از ولایت خراسان و قندهار عبور می‌کنند.<sup>۷۸</sup> ولایت قندهار در کنار جاده‌ای واقع شده بود که بازرگانان از طریق آن از فارس و خراسان به سند می‌رفتند؛ همچنان‌که بازرگانان لاهور و دیگر ایالات هندوستان برای رفتن به خراسان و آذربایجان و فارس از این جاده استفاده می‌کردند.<sup>۷۹</sup> شاه‌عباس اول اهمیتی بسزا برای این شهر قائل بود و در سال ۱۰۳۱ ه. این شهر را از گورکانیان هند پس گرفت. در دورهٔ شاه‌صفی نیز این راه تجاری اهمیت خود را همچنان حفظ کرد و کاروانهای تجاری که از هندوستان به ایران می‌آمدند، از این شهر می‌گذشتند.<sup>۸۰</sup> ولایت قندهار در این دوره از بابت عوارض گمرکی یک میلیون تالر به خزانه می‌پرداخت.<sup>۸۱</sup> در دورهٔ شاه‌سلطان‌حسین نیز ثروت زیادی از راه تجاری این ولایت عاید دولت می‌شد،<sup>۸۲</sup> و همچنان از بهترین و ثروتمندترین ولایات ایران به شمار می‌رفت.<sup>۸۳</sup>

شاه‌اسماعیل اول با فتح ولایت فارس در جنوب، بر مراکز تجاری واقع در این منطقه و راه زمینی تجارت آن که با جزیرهٔ هرمز در ارتباط بود، تسلط پیدا کرد. در دورهٔ شاه‌عباس اول شهر شیراز مرکز این ولایت، و از مهمترین مراکز تجاری ایران به شمار می‌رفت و در اوج ترقی اقتصادی بود. در این دوره، جمعیت این شهر در حدود

۷۷. تاورنیه. همان. ص ۶۹۷.

۷۸. همان. ص ۶۹۵.

۷۹. فیگوئروا. سفرنامه. ترجمهٔ غلامرضا سمیعی، چ اول، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۳۷۵.

۸۰. اسکندریگ ترکمان و محمدیوسف مورخ. ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی. به تصحیح سهیل خوانساری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۷، ص ۷۵.

۸۱. اولتاریوس، همان. ص ۳۱۹.

۸۲. دوسرسو. علل سقوط شاه‌سلطان‌حسین. مترجم ولی‌الله شادان، چ اول، تهران، کتابسرا، ۱۳۶۴، ص

۸۱. ۸۳. همان. ص ۱۱۲.



هفتاد هزار نفر بود، کاروانهای تجاری برای رفتن به هندوستان از آن می‌گذشتند، و مرکز گمرک در منطقه فارس بود.<sup>۸۴</sup> درآمد سرشار این ولایت توجه جهانگردان اروپایی را به خود جلب کرده است. درآمد این ناحیه ثروتمند در دوره شاه عباس اول بیشتر از دو میلیون اکو<sup>۸۵</sup> در سال ذکر گردیده است.<sup>۸۶</sup> این شهر دومین شهر ایران به شمار می‌رفت.<sup>۸۷</sup> شهر لاری یکی دیگر از مراکز مهم تجاری در این ولایت بود و جمعیت آن ترکیبی از مسلمانان و یهودیان بود.<sup>۸۸</sup> کاروانهایی که از شهرهای مختلف ولایت فارس و کرمان و دیگر نواحی به جزیره هرمز رفت و آمد می‌کردند، از این شهر می‌گذشتند. گروه بزرگی از بازرگانان ایرانی، عرب و یهودی در این شهر ساکن بودند. رونق کاروانسراهای متعدد این شهر از فعالیت تجاری وسیع آن حکایت می‌کرد. فیگوترا از بازار این شهر به عنوان مهمترین عامل شهرت و اعتبار آن یاد کرده است.<sup>۸۹</sup>

جزیره هرمز در خلیج فارس یکی دیگر از مراکز مهم تجاری ایران، و راه ارتباط دریایی آن با هندوستان بود. ولایات کیج و مکران هندوستان با این جزیره و با کرمان و سیستان هم‌مرز بودند.<sup>۹۰</sup> این جزیره تا قرن هشتم هجری «جرون» نام داشت و در آن زمان هرمز شهری بود بر ساحل دریا که در این قرن از طرف عده‌ای از مغول‌ها مورد هجوم قرار گرفت و به شدت ویران گردید. فرمانروایان این شهر مجبور به مهاجرت به جزیره جرون شده و نام شهر خود را به این جزیره دادند. از قرن هشتم هجری این جزیره «هرمز» خوانده شد.<sup>۹۱</sup> زمانی که مارکوپولو از این شهر دیدن می‌کرد، از توابع کرمان به شمار می‌رفت و از بزرگترین مراکز تجاری بود که بخش عمده‌ای از تجارت آن توسط

۸۴. اروج‌بیگ بیات. همان. ص ۵۸.

۸۵. پانزده اکو، برابر با یک تومان بود در: باستانی پاریزی. سیاست و اقتصاد ایران در عصر صفوی. ج چهارم، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۶۷، ص ۱۷۷.

۸۶. فیگوتروا. همان. ص ۱۳۵.

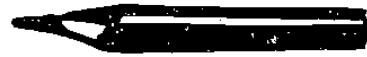
87. Thomas Herbert, *Idem*, P. 69.

88. *idem*, P. 50.

۸۹. فیگوتروا. همان. ص ۸۰۷.

۹۰. اسکندر بیگ ترکمان. ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی. ص ۱۳۱.

۹۱. ابن بطوطه. سفرنامه. ترجمه محمدعلی موحد، ج اول، ج پنجم، تهران، آگاه، ۱۳۷۰، ص ۳۳۵.



بازرگانان هندی انجام می‌شد. ادویه، دارو، سنگهای قیمتی، مروارید و پارچه‌های زربفت و عاج و کالاهای دیگر را از هندوستان می‌آوردند و به بازرگانانی که از نواحی مختلف برای خرید این کالاها می‌آمدند می‌فروختند؛ و این بازرگانان کالاهای ساخت هندوستان را به اقصی نقاط جهان می‌بردند.<sup>۹۲</sup> ابن بطوطه دربارهٔ اوضاع بازرگانی در این ناحیه در قرن هشتم هجری می‌نویسد، این جزیره دارای بازارهای بزرگی است و بندرگاه هند و سند به شمار می‌رود و مال‌التجاره‌های هند از این شهر به عراق عرب و عراق عجم و خراسان برده می‌شود.<sup>۹۳</sup> موقعیت جغرافیایی جزیرهٔ هرمز که در گلوگاه خلیج فارس واقع شده بود و رونق تجاری آن، باعث شد که در دورهٔ صفویه مرکز رقابتهای تجاری قدرتهای بزرگ اروپایی گردد. پرتغال نخستین کشور اروپایی بود که در سال ۹۱۳ ه. این جزیره را مورد هجوم قرار داد و با تسلط بر آن، این مرکز مهم تجاری را به مدت یک قرن در دست گرفت.<sup>۹۴</sup> پرتغالی‌ها با کشف راه دریایی سفر به هندوستان در قرن پانزدهم میلادی، به موفقیت بزرگی در تجارت شرق دست یافتند و فرمانروای تجاری دریا‌های مشرق‌زمین شدند. در ابتدای قرن شانزدهم میلادی به «آلفونسو دو آلبوکرک» مأموریت داده شد که جهت جلوگیری از نفوذ کشورهای دیگر به هندوستان، نواحی مهم استراتژیکی را به تصرف درآورد و فتح جزیرهٔ هرمز در سال ۹۱۳ ه. نیز با همین هدف صورت گرفت.<sup>۹۵</sup> با تصرف این منطقه، حکومت صفویه از درآمد به دست آمده از حقوق گمرکی آن محروم شد و حاکم جزیره که تا سال ۹۱۳ ه. خراجگذار حکومت صفویه بود، موظف به پرداخت خراج خود به حاکم پرتغالی منطقه گردید.

حاکمیت پرتغالی‌ها بر جزیرهٔ هرمز تأثیر خود را هرچه بیشتر بر تجارت جزیره می‌گذاشت. پل سیمون، کشیش کاتولیک، در گزارشهای متعدد خود که به اروپا فرستاده و در واتیکان نگاهداری می‌شود، به خوبی به اوضاع تجاری هرمز در این دوره اشاره کرده است. بر طبق گزارش وی فرمانده پرتغالی جزیرهٔ هرمز، بازرگانانی را که برای

۹۲. مارکوپولو. همان. ص ۴۴.

۹۳. ابن بطوطه. همان. ص ۳۳۵.

94. *A Chronicle of the Carmelite in Persia*, VI, P. 14.

95. *Ibid.*

خرید کالا به جزیره می‌رفتند، و ادار به خرید کالاهای پرتغالی‌ها می‌کرد و این کالاها را به بهای شصت درصد گرانتر از قیمتی که آنان می‌توانستند در بازار بخرند، به آنها می‌فروختند. یکی از بازرگانانی که برای خرید پارچه به جزیره هرمز رفته بود و پرتغالی‌ها پارچه را به قیمت گران به او فروخته بودند، چون نتوانست پارچه‌های خریده‌شده را در بازار بفروشد، مال‌التجاره خود را روبروی قلعه پرتغالی‌ها به آتش کشید. رفتار پرتغالی‌ها با بازرگانان باعث شد که آنها برای خرید کالا به جزیره هرمز نروند و کالاهایی را که از بصره می‌آوردند بخرند؛ و یا از کاروانهایی که به شیراز می‌آمدند، خرید کنند. بازرگانان حاضر بودند قیمت بیشتری برای خرید این کالاها بپردازند، ولی برای تجارت به جزیره هرمز نروند. عوارض سنگینی که از بازرگانان در این جزیره گرفته می‌شد یکی دیگر از مشکلات آنان بود.<sup>۹۶</sup> وقتی که بازرگانان تصمیم گرفتند برای خرید کالا به جزیره هرمز نروند، خسارت زیادی به پرتغالی‌ها وارد شد. به همین دلیل پرتغالی‌ها اعلام کردند که عوارض گمرکی لغو خواهد شد و بازرگانان در خرید کالا آزاد خواهند بود. اینطور بود که آنها یک‌بار دیگر به جزیره روی آوردند.

اذیت و آزار ارمنیان و مسلمانان ساکن جزیره هرمز به جایی رسید که شاه‌عباس فرمانی صادر کرد که بر اساس آن، عبور کاروانهایی را که از آنجا می‌آمدند و یا خروج کالاهایی را که با کشتی به این جزیره وارد می‌شدند، ممنوع ساخت. علی‌رغم اینکه پرتغالی‌ها اعلام کرده بودند که از کالاهایی که برای استفاده دربار ایران از هند می‌آید، عوارض گمرکی دریافت نمی‌کنند، وقتی که پیشکشهایی از طرف پادشاه هند برای شاه‌عباس فرستاده شد، این پیشکشها را در گمرک‌خانه هرمز برای دریافت عوارض گمرکی توقیف کردند.<sup>۹۷</sup> این حوادث باعث شد که شاه‌عباس تصمیم بگیرد پرتغالی‌ها را از جزیره بیرون براند. او جهت اجرای تصمیم خود از انگلیسی‌ها کمک گرفت و موفق شد پس از یک قرن آنجا را آزاد کند. یکی از شرایط همکاری انگلیسی‌ها با شاه‌عباس این بود که عوارض گمرکی این جزیره به تساوی میان دو کشور تقسیم شود و انگلیسی‌ها از

96. *idem*, P. 104.

97. *Ibid.*



پرداخت عوارض گمرکی معاف باشند.<sup>۹۸</sup> در دوره حکومت شاه صفی، پرتغالی‌ها باز برای به دست آوردن هرمز و گرفتن امتیاز صید مروارید خلیج فارس به شاه فشار آوردند، اما توفیقی نصیبشان نشد. در سال ۱۰۳۹ ه. طبق قراردادی به آنها اجازه داده شد در بندر کنگ تجارتخانه‌ای تأسیس نمایند. به موجب این قرارداد، عواید حاصل از گمرک این بندر به طور مساوی میان ایران و پرتغال تقسیم می‌شد.<sup>۹۹</sup> در دوره حکومت شاه سلیمان فرمانی مبنی بر تأیید قرارداد ۱۰۳۹ ه. صادر شد. بر اساس این فرمان، شاه قراردادی با پرتغالی‌ها منعقد کرد و بر اساس آن متعهد شد که دولت ایران در آینده هرساله مبلغ هزار تومان از عواید گمرکی و صد تومان نیز بابت هزینه زندگی و خوراک نماینده تجاری پرتغال در کنگ پردازد.<sup>۱۰۰</sup> در سال ۱۰۹۹ ه. نیز یک قرارداد گمرکی درباره تجارتخانه کنگ منعقد گردید و بر طبق آن قرارداد سال ۱۰۳۹ ه. یک بار دیگر تأیید شد.<sup>۱۰۱</sup>

#### ب. صادرات و واردات کالا

تنوع و پیشرفت صنایع تولیدی، قدرت و شهرت مراکز بازرگانی ایران و تسلط بر مهم‌ترین راههای تجاری در این دوره، صادرات ایران را به میزان قابل توجهی افزایش داد. و چنان‌که اشاره شد، حضور مردمانی از ملیتهای مختلف در مراکز تجاری ایران و تأسیس تجارتخانه در برخی از شهرها، پیشرفت صادرات ایران را به خوبی نشان می‌دهد. در دوره شاه عباس اول، کشتیهای فراوانی برای خرید کالاهای بازرگانی از ایران وارد جزیره هرمز می‌شدند. بیشترین کالایی که این کشتیها به ایران وارد می‌کردند، پارچه‌های هندی و ادویه بود. هلندی‌ها تجارت ادویه را در دست داشتند و علاوه بر این کالا، شکر و مس نیز به ایران وارد می‌کردند و در مقابل، در حدود پانزده میلیون تومان اجناس مختلف از قبیل مخمل، ابریشم خام، قالیهای گرانبها و چندین تن طلا و نقره از

98. John Fryer, *idem*, P. 352.

۹۹. جهانگیر قائم مقامی. اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس، مسئله هرمز در روابط ایران و پرتغال. ج یکم، تهران، ستاد بزرگ ارتشتاران، ۱۳۵۴، ص ۲۰۷.

۱۰۱. همان. ص ۲۱۸.

۱۰۰. همان. ص ۲۱۵.



ایران صادر می‌کردند.<sup>۱۰۲</sup> انگلیسی‌ها مقداری دارو، پشم کرمان، خرما، اسب و بز از ایران می‌خریدند.<sup>۱۰۳</sup> در بندرعباس بازرگانانی از مهمترین نواحی دنیا؛ یعنی انگلستان، هلند، دانمارک، پرتغال، هندوستان، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، اهالی مسکو، ترک‌ها، عرب‌ها و یهودی‌ها سرگرم تجارت بودند. بازرگانان برای تجارت از دورترین نواحی دنیا در فصل زمستان به این ناحیه می‌آمدند. ابریشم خام، قالی، کتان و دیگر اجناس داخلی را از راه این بندر با کشتی به تمام نواحی جهان صادر می‌کردند. خرید و فروش کالا در این بندر درآمد سرشاری را نصیب کشور می‌کرد و در افزایش ثروت خزانه، نقش مؤثری داشت.<sup>۱۰۴</sup>

در این دوره بندر باکو یکی از مهمترین بندرهای صادراتی ایران بود و نفت یکی از کالاهای صادراتی از این بندر به شمار می‌رفت. اس. سوسیک در مقاله خود می‌نویسد، عبدالرشید باکویی که یکی از بومیان این شهر بود، در کتاب خود به نام تلخیص‌الاثار و عجایب‌الملک‌القهار، مطالبی درباره نفت باکو دارد. او می‌نویسد که در این دوره روزانه دویست بار شتر تولید نفت معادن این شهر بود. نفت سفید ویژه‌ای در این شهر تولید می‌شد که روزانه در حدود هزار درهم درآمد داشت. از پوست خوکهایی که در بندر باکو یافت می‌شد، برای حمل و صدور نفت استفاده می‌کردند.<sup>۱۰۵</sup> بر طبق نوشته اولیاء چلبی، نفت باکو سالیانه هفت هزار تومان برای خزانه شاه درآمد داشت و به شهرهای مختلف ایران، آسیای میانه، عثمانی، هند و کشورهای دیگر صادر می‌شد.<sup>۱۰۶</sup> پیترو دلاواله درباره نفت این شهر می‌نویسد، قیمت نفت در اینجا خیلی کم است، ولی مقدار آن به قدری زیاد است که از این راه پول هنگفتی عاید خزانه می‌شود.<sup>۱۰۷</sup> کشیشان فرانسوی نیز در نامه‌های خود نفت باکو را ثروت عمده این شهر می‌دانند و می‌نویسند، نفت این معادن آن قدر زیاد است که با اطمینان می‌توان گفت درآمد شاه از این معادن

102. John Fryer, *idem*, P. 223.

103. *idem*, P. 224.

104. Thomas Herbert, *idem*, P. 43.

105. S. Soucek, Baku, *Encyclopaedia Iranica*, VIII, New York, 1981, P. 566.

106. A. M. Gadzhi, *Great Soviet Encyclopaedia*, VII, London, 1970, P. 556.

۱۰۷. پیترو دلاواله. همان. ص ۱۴۴.



A  
NEW ACCOUNT  
OF  
East-India and Persia,  
IN  
EIGHT LETTERS.  
BEING  
Nine Years Travels,

Begun 1672. And Finished 1681.

Containing Observations made of the *Moral, Natural, and Artificial* State of Those Countries: Namely, Of their Government, Religion, Laws, Customs. Of the Soil, Climates, Seasons, Health, Diseases. Of the Animals, Vegetables, Minerals, Jewels. Of their Housing, Cloathing, Manufactures, Trades, Commodities. And of the Coins, Weights, and Measures, used in the Principal Places of Trade in those Parts.

By JOHN FRYER, M. D. *Cantabrig.*

And Fellow of the ROYAL SOCIETY.

Illustrated with Maps, Figures, and Useful Tables.

L O N D O N:

Printed by R. R. for R. I. CHISWELL, at the *Rose and Crown*  
in *St. Paul's Church-Yard*. MDC XC VIII.

1698

روی جلد کتاب گزارشی جدید از هند شرقی و ایران نوشته جان فرایر



دوازده هزار تومان در سال است و نفت سفیدی را که از این معادن به دست می آورند، چون ارزشمندتر است، به کشورهای خارج می فرستند.<sup>۱۰۸</sup> نفت سفید را در این شهر برای ایجاد روشنایی در چراغها و مشعلها به کار می بردند.<sup>۱۰۹</sup> تنها شهر علیان که از توابع باکو بود، در حدود پانصد چاه نفت داشت.<sup>۱۱۰</sup> کاروانهای تجاری که قصد مسافرت دریایی طولانی را داشتند، به بندر باکو می آمدند. این کاروانها با خود ابریشم، قالی، نمک و زعفران به این بندر می آوردند.<sup>۱۱۱</sup>

محصولات چرمی ایران به هندوستان و امپراتوری عثمانی و دیگر کشورهای اطراف صادر می شد.<sup>۱۱۲</sup> در دوره حکومت شاه صفی این محصول یکی از مهمترین کالاهای صادراتی بود که به هندوستان و ژاپن صادر می شد و بازرگانان بخشی از این کالا را تا لهستان و مسکو می بردند.<sup>۱۱۳</sup> مقدار زیادی توتون و تنباکو و انواع میوه، خشکبار، مربا، سرکه، مشروب الکلی، اسب، چینی آلات، قلم، چرمهای ساغری به رنگهای مختلف، به هندوستان صادر می شد.<sup>۱۱۴</sup> گلاب شیراز یکی از مهمترین کالاهای صادراتی ایران به هندوستان بود. هر ساله مقدار زیادی گلاب اعلاء در شیراز تهیه می شد و از آنجا به جزیره هرمز فرستاده می شد تا از طریق راه دریایی خلیج فارس به هندوستان فرستاده شود. این کالا در هندوستان با قیمت خوبی به فروش می رسید.<sup>۱۱۵</sup> روناس مهمترین کالای صادراتی به هندوستان بود. این کالا در اسدآباد که قریه ای در نزدیکی رود ارس بود، به مقدار زیادی به دست می آمد و در ایران و هندوستان درآمد تجاری عمده ای را تشکیل می داد. روناس برای رنگرزی به مصرف می رسید و رنگ قرمز را از آن تهیه می کردند. در هندوستان برای زینت پارچه از آن استفاده می کردند. هر ساله کشتیهای بسیاری برای بردن روناس به جزیره هرمز می آمدند.<sup>۱۱۶</sup> شاه عباس اول به هندیها

۱۰۸. پیر بازن، همان، ص ۲۲.

۱۰۹. اولیاء چلبی، همان، ص ۱۴۱.

۱۱۰. امین احمد رازی، همان، ج سوم، ص ۲۶۹.

111. S. Soucek, *idem*, P. 566.

۱۱۲. تاورنیه، همان، ص ۶۰۱.

۱۱۲. شاردن، همان، ج ۴، ص ۳۳۵.

۱۱۵. فیگوتروا، همان، ص ۱۴۰.

۱۱۴. شاردن، همان، ج ۴، ص ۳۷۱.

۱۱۶. تاورنیه، همان، ص ۶۳.



اجازة تجارت در ایران را نمی داد. این افراد در دوره حکومت شاه صفی و شاه عباس دوم برای تجارت در ایران ساکن شدند. علت مخالفت شاه عباس با آنها به علت رباخواری ایشان بود؛ و اگر آزاد گذاشته می شدند تمام نقدینه ایران را تصرف می کردند. هندی ها پول را از متمولین و بزرگان به صدی شش می گرفتند و صدی هشت یا نه قرض می دادند. شاه عباس جهت جلوگیری از خروج نقدینه ایران با فعالیت آنها مخالفت می کرد.<sup>۱۱۷</sup> سکونت آنها در ایران باعث شد که در دوره شاه سلیمان از ارزش پول ایران کاسته شود؛ تا جایی که هیچکس حاضر نباشد کالای خود را به ایران بیاورد و در برابر آن پول مس ایران را دریافت کند. هندی ها سکه ها را از ایران خارج می کردند و همین عامل باعث پایین آمدن ارزش سکه های ایران شده بود.<sup>۱۱۸</sup> بازرگانان ایرانی با کشتیهای هلندی و انگلیسی کالاهای خود را به هندوستان می بردند و کالاهای خریداری شده را نیز با کشتیهای آنها از هندوستان به ایران حمل می کردند.<sup>۱۱۹</sup> میوه خشک که در آذربایجان به دست می آمد، به توکا و دیاریکر حمل می شد؛<sup>۱۲۰</sup> شتر به ارمنستان و آناتولی فروخته می شد، گوسفند نیز تا استانبول می رفت. گوشت گوسفندی که در آناتولی و رومانی به مصرف می رسید از ایران می رفت و پول گزافی نیز به مملکت وارد می کرد.<sup>۱۲۱</sup> تجارت داخلی ایران را ایرانیان و یهودیان، و تجارت خارجی را ارمنیان انجام می دادند.<sup>۱۲۲</sup> تجارت پشم کرمان را زرتشتی ها انجام می دادند. از این پشم نوعی شال بافته می شد که به مصرف داخلی می رسید.<sup>۱۲۳</sup> لاجورد را ایرانیان از تاتارها می خریدند و قیمت زیادی برای آن می پرداختند؛ از لاجورد برای رنگ کردن کاشی ها استفاده می شد.<sup>۱۲۴</sup> نقره را از پرو وارد می کردند و طلا و نقره را از ژاپن.<sup>۱۲۵</sup>

۱۱۷. همان. ص ۵۱۳.

۱۱۸. سانسون. سفرنامه. به اهتمام و ترجمه دکتر تقی تفضلی، تهران، بی نا، ۱۳۴۶، صص ۸۹-۱۸۸.

۱۱۹. یان اسمیت. سفرنامه: ترجمه و نگارش ویلم فلور، به کوشش داریوش مجلسی، حسین ابوترابیان،

تهران، طهوری، ۱۳۵۶، ص ۶۸. ۱۲۰. تاورنیه. همان. ص ۶۰۲.

۱۲۱. همان. ص ۶۳۰. ۱۲۲. همان. ص ۵۹۶.

۱۲۳. همان. ص ۱۱۲. ۱۲۴. همان. ص ۵۴۳.

۱۲۵. همان. ص ۵۴۴.

صادرات مهم شهر قم میوه جات تر و خشک، به خصوص انار و کالاهایی مثل صابون، تیغه‌های شمشیر و ظروف سفالی سفید و لعابدار بود.<sup>۱۲۶</sup> پسته صادراتی ایران در این دوره در ملایر به عمل می‌آمد. بنا به نوشته جهانگردان، ایرانی‌ها جهت تجارت کالا تا دورترین نواحی سفر می‌کردند. وقتی که سفیر شاه سلیمان به نام محمدریغ، به سیام سفر کرده بود، ایرانیانی را دید که برای تجارت به این ناحیه رفته و در آنجا ساکن شده بودند.<sup>۱۲۷</sup> ارمنی‌ها کالاهایی مانند پنبه، پشم، چرم روسی، موم، کندر، ریوند، مشک، چرم دباغی شده، قالی، پارچه‌های ابریشمی زربفت و نقره‌بفت و انواع کالاهای تجاری را از طریق خاک روسیه به اروپا می‌بردند.<sup>۱۲۸</sup> بازرگانان روسی نیز پوست خز، سنجاب خاکستری، گراز، ماهی دندان‌دراز و چرم روسی را به ایران می‌آوردند.<sup>۱۲۹</sup> اما مهمترین کالاهای صادراتی ایران را ابریشم تشکیل می‌داد. اروپاییانی که در امپراتوری عثمانی به تجارت مشغول بودند، مهمترین کالایی را که از ارمنی‌ها می‌خریدند، ابریشم ایران بود. روس‌ها نیز ابریشم ایران را وارد می‌کردند.<sup>۱۳۰</sup> در مقابل ابریشم ایران که به کشورهای اروپایی صادر می‌شد، فلزاتی مانند قلع و مس و پارچه‌های انگلیسی، فرانسوی و هلندی که در ایران خریدار زیادی داشت به ایران وارد می‌شد.<sup>۱۳۱</sup> جان فرایر از بازاری به نام بازار ابریشم در اصفهان نام می‌برد. بر اساس نوشته این جهانگرد اروپایی در کنار بازار عمومی شهر، بازار جداگانه‌ای برای اجناس عالی مثل پارچه‌های ابریشم، مخمل و زرباف وجود داشت. قالی ایرانی که پشمی و ابریشمی بود و با تارهای طلایی و نقره‌ای بافته شده بود و فن بافت آن تنها در دست ایرانیان بود، در این بازار به فروش می‌رسید. او

۱۲۶. شاردن. همان. ج ۳، ص ۶۱.

۱۲۷. محمدبن ربیع بن محمد ابراهیم. سفینه سلیمانیه. تصحیح و تحشیه و تعلیق عباس فاروقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، ص ۹۶.

۱۲۸. روبرتو گلبنگیان. «فیلیپ دوزالگی و استقرار تجارت ایران در کورلانده»، ترجمه عباس آگاهی، بررسیهای تاریخی، شماره دوم، سال هفتم، ۱۳۴۴، ص ۱۴۷.

129. S. Soucek, *idem*, P. 565.

۱۳۰. شاردن. همان. ج ۴، ص ۳۷۰.

۱۳۱. اولتاریوس. همان. ص ۲۷۹.



همچنین می‌نویسد که در این بازار، بازرگانی از همه ملیتها که برای تجارت به شهر اصفهان آمده بودند، دیده می‌شدند که کالاهای ساخت ایران را تا دورترین نقاط جهان می‌بردند.<sup>۱۳۲</sup>

از آنجا که در این دوره ابریشم از مهمترین کالاهای تجارتي بود و در روابط حکومت صفویه با امپراتوری عثمانی و کشورهای اروپایی نقش مهمی ایفا می‌کرد و در افزایش درآمد حکومت نیز نقش مهمی داشت، لذا در مبحثی مستقل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ج. تجارت ابریشم

ابریشم به عنوان یک کالای مهم بازرگانی از دوره‌های پیش از اسلام تا دوره صفویه و پس از آن اهمیت خود را همچنان حفظ کرد. مراکز مهم تولید ابریشم ایران در این دوره گرجستان، شروان، قراباغ، خراسان، گیلان و مازندران<sup>۱۳۳</sup>، شماخی، گنجه<sup>۱۳۴</sup> و اردبیل<sup>۱۳۵</sup> بود. در دوره صفوی تولید ابریشم ایران به میزان زیادی افزایش یافت. آدام اولتاریوس میزان ابریشم تولیدی ایران را در دوره شاه صفی ده تا بیست هزار عدل می‌نویسد؛<sup>۱۳۶</sup> و از برخی مراکز تولید ابریشم ایران آماری به شرح زیر به دست می‌دهد: گیلان ۸۰۰۰ عدل، قره‌باغ ۲۰۰۰ عدل، گرجستان و ارمنستان ۵۰۰۰ عدل، مازندران ۲۰۰۰ عدل، شروان ۳۰۰۰ عدل.<sup>۱۳۷</sup>

شاردن نیز میزان تولید ابریشم ایران را در دوره شاه عباس دوم در حدود ده تا دوازده هزار عدل<sup>۱۳۸</sup> می‌نویسد و آماری نیز از تولید ابریشم برخی از مراکز به دست می‌دهد: گیلان ۲۰۰۰ عدل، آذربایجان ۳۰۰۰ عدل، قراباغ ۲۰۰۰ عدل، مازندران ۲۰۰۰ عدل،

132. John Fryer, *idem*, P. 263.

۱۳۳. تاورنیه. همان. ص ۳۵.

۱۳۳. شاردن. همان. ج ۴، ص ۳۶۸.

۱۳۴. اولتاریوس. همان. ص ۲۷۹.

۱۳۵. همان. ص ۷۳.

۱۳۶. همان. ص ۳۲۰.

۱۳۸. در سفرنامه شاردن دوازده میلیون به تنهایی آمده است.

خراسان ۳۰۰۰ عدل، گرجستان ۲۰۰۰ عدل. ۱۳۹

در گیلان سه نوع ابریشم پرورش می‌یافت: شعربافی، خرواری، لژ. ۱۴۰ و از شماخی و گنجه و تفلیس دو نوع ابریشم به نامهای «شعربافی» که نوع ابریشم مرغوب بود و «اروش» که درجه‌ای پایین‌تر داشت. ۱۴۱ شاردن چهار نوع ابریشم نام می‌برد: شیروانی که اروپایی‌ها آن را «اروش» می‌خواندند؛ دوم خرواری که اروپاییان آن را «لژ» می‌نامیدند؛ سوم کدخداسند؛ چهارم شعربافی که بهترین نوع ابریشم ایران بود و برای بافتن پارچه‌های زربفت از آن استفاده می‌کردند. ۱۴۲ از دوره شاه‌عباس اول که کوششهایی در زمینه پیشرفت تجارت انجام گرفت، ابریشم مهمترین کالای بازرگانی بود؛ به طوری که شاه‌عباس انحصار تجارت آن را در اختیار گرفت. تسلط حکومت صفویه بر راه مهم تجارت با اروپا در شمال غرب و راههای تجارت زمینی و دریایی با هند در شرق و جنوب از یک طرف، و تسلط بر ولایات ثروتمند واقع در این نواحی که از مهمترین مراکز تولید ابریشم نیز بودند از طرف دیگر، باعث شد که نه تنها تجارت ابریشم بلکه تجارت دیگر کالاها نیز به تدریج به انحصار شاه درآید. توماس هربرت که در این دوره از ایران دیدن می‌کند، به خوبی به این مسئله اشاره می‌کند. بر طبق نوشته وی از هندوستان، سرزمین تاتارها و عربستان همه ساله تعدادی کاروان که مال‌التجاره‌های مهمی از اطلس، ابریشم، جواهرات، دارو، عمامه و غیره با خود همراه داشتند، به سوی ایران می‌آمدند. هنگامی که شاه‌عباس از نزدیک شدن آنها باخبر می‌گردید، مردم را از خرید و فروش با آنها باز می‌داشت تا بتواند کالاهای آنها را با قیمتی که خود تعیین کرده بود بخرد؛ و یا به وسیله عواملش شایع می‌ساخت که راههای ایران امنیت ندارد؛ و یا به علت گرانی کسی قادر به خرید کالاهای آنها نیست و بدین ترتیب آنها مجبور می‌شدند کالاهای خود را به شاه بفروشند. شاه‌عباس گاهی در مقابل کالای خریداری شده پول پرداخت می‌کرد و گاهی کالا می‌داد. ۱۴۳ به هنگام جلوس شاه‌عباس به تخت سلطنت، راههای تجارت با

۱۳۹. شاردن. همان. ج ۴، ص ۳۶۹.

۱۴۰. تاورنیه. همان. ص ۳۵.

۱۴۲. شاردن. همان. ج ۴، ص ۳۶۹.

۱۴۱. همان. ص ۳۶.

143. Thomas Herbert, *idem*, P. 225.



اروپا در شمال غرب در نهایت ناامنی بود. امپراتوری عثمانی بیشتر مراکز تولید ابریشم در ایالت آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، شروان و قره‌باغ را تصاحب کرده بود. شاه عباس نیز با انعقاد قرارداد ۹۹۸ ه. این مراکز را به مدت بیست سال در اختیار امپراتوری عثمانی قرار داد. راه زمینی ارتباط با هند نیز که از طریق ایالت خراسان می‌گذشت، توسط ازبک‌ها ناامن شده بود و راه دریایی به هند و اروپا نیز به مدت یک قرن بود که به دست پرتغالی‌ها افتاده بود.

شاه عباس برای تقویت تجارت، راههای شمال غرب را از دست عثمانی‌ها آزاد کرد و تمامی مراکز تولید ابریشم را پس گرفت و در مرزهای شرقی نیز امنیت برقرار ساخت. او با کمک انگلیسی‌ها توانست پرتغالی‌ها را از جزیرهٔ هرمز بیرون کرده و بر این گذرگاه مهم در خلیج فارس نیز تسلط یابد. راه تجاری شمال غرب ایران و ولایات واقع در مسیر آن به خاطر موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خود، نقش مهمی در سیاست ایران و عثمانی ایفا کردند و رقابت دو کشور برای تسلط بر این راه، زمینه‌ساز جنگهای طولانی و دامنه‌داری در قرنهای دهم و یازدهم هجری شد. روبرت دلیو. السن در کتاب خود به نام محاصرهٔ موصل و روابط ایران و عثمانی از ۱۷۱۸ تا ۱۷۴۳، به خوبی تهدیدات عثمانی در این راههای تجاری را نشان می‌دهد. بر اساس نوشتهٔ وی، راه ابریشم می‌توانست یک منبع مهم درآمد برای حکومت نوپای صفویه باشد، اما سیاستهای سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ ه.) این منبع مهم را با خطر روبرو ساخت. سلطان سلیم که از محاصرهٔ اقتصادی به عنوان سلاحی مؤثر علیه دشمنانش استفاده می‌کرد، با ایجاد مانع در کار تجارت ابریشم، درآمد حکومت صفویه را از این منبع مهم درآمد کاهش داد. بازرگانان ناگزیر شدند از فروش کالا در استانبول صرف‌نظر کرده و از طریق راههای منتهی به حلب، کالاهای خود را به این شهر برسانند. سلطان سلیم کالاهای بازرگانان عرب، ایرانی و ترک را توقیف کرد و بازرگانان را با کشتی به رملی فرستاد. از این پس وارد کردن و فروش ابریشم ایران ممنوع شد. اما با روی کار آمدن سلطان سلیمان قانونی، ممنوعیت تجارت با ایران لغو شد. ممنوعیت تجارت ابریشم ایران اثر زیادی بر بازرگانان ابریشم داشت و باعث شد که دولت از این زمان نظارت بر فروش و توزیع ابریشم را به عهده بگیرد. بیشتر بازرگانان و بافندگان ابریشم در اثر این ممنوعیت دست از کار کشیدند و به جای بازرگانان

ایرانی و ترک، ارمنیان این تجارت را به دست گرفتند. وقتی که در دوره سلطان سلیمان راههای تجاری بازگشایی شد و کارخانه‌های عثمانی به ابریشم ایران نیاز پیدا کردند، تجارت ابریشم دوباره رونق گرفت.<sup>۱۴۴</sup>

پیمان صلح آماسیه در سال ۹۶۱ هـ. به جنگهای بیست‌ساله ایران و عثمانی پایان داد، اما ناآرامیهای سیاسی ایران پس از مرگ شاه طهماسب اول، یکبار دیگر باعث درگیری ایران و عثمانی شد. حمله ایرانیان به یک کاروان تجاری ترک که از گیلان به امپراتوری عثمانی می‌رفت، زمینه تخلف از پیمان صلح آماسیه را آماده‌تر کرد. این کاروان در زنجان غارت شد و بیشتر بازرگانان آن کشته و یا اسیر شدند. به این ترتیب راه تجارت با اروپا یکبار دیگر بسته شد. محاصره اقتصادی ایران توسط عثمانی در دوره شاه عباس اول جنبه بین‌المللی پیدا کرد.<sup>۱۴۵</sup> شاه عباس اول برای جلوگیری از تهدید امپراتوری عثمانی و جلوگیری از خسارت وارده بر تجارت ابریشم و کاهش درآمد گمرکی امپراتوری عثمانی از این راه، تصمیم به تغییر مسیر تجارت ابریشم گرفت. به همین دلیل وقتی که پادشاه اسپانیا طی نامه‌ای از شاه عباس درخواست کرد که راه تجارت ابریشم را از خاک عثمانی تغییر دهد و این کالا را از راه هرمز و هندوستان و جنوب آفریقا که کم‌خطرتر بود به اسپانیا بفرستد،<sup>۱۴۶</sup> در نامه‌ای که شاه در سال ۱۰۱۶ هـ. در جواب وی نوشت، دقیقاً به برنامه‌اش در این مورد اشاره کرد و گفت که خواهد کوشید تجارت ابریشم را از دست عثمانی خارج کرده و به کارگزاران اسپانیا بسپارد و تجارت این کالا را از راه هرمز دایر کند.<sup>۱۴۷</sup>

پاسخ شاه عباس به پادشاه اسپانیا به معنی پاسخی مثبت به درخواست وی نیست؛ بلکه به نوعی اعلام سیاست آینده او درباره تجارت در خلیج فارس بود. چون بزرگترین مانع حضور نیروهای پرتغال در جزیره هرمز بود که در این زمان از اتباع پادشاه اسپانیا محسوب می‌شدند. ورود انگلیسی‌ها به ایران عامل مؤثری برای رسیدن شاه عباس به

144. Robert W. Olson, *The Siege of Mosul and Ottoman-Persian Relations 1718-1743*, India, Blommington, 1974, P. 15. 145. *idem*, P. 18.

۱۴۶. نصرالله فلسفی. زندگانی شاه‌عباس اول. ج ۴، چ چهارم، تهران، علمی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۹۷.  
۱۴۷. همان، ص ۱۴۹۸.



اهداف خود در این منطقه بود. انگلیسی‌ها با اهداف اقتصادی به ایران وارد شدند و کمپانی هند شرقی که در صدد یافتن بازاری برای فروش کالاهای بافته خود بود، ایران را بازاری مناسب یافت و در سال ۱۰۳۲ ه. با اعزام نمایندگانی به ایران، روابط بازرگانی با حکومت صفویه را آغاز کرد. انگلستان با اجازه شاه عباس تجارتخانه‌ای در بندر جاسک تأسیس کرد،<sup>۱۴۸</sup> و در سال ۱۰۲۵ ه. اولین محموله خود را به ایران فرستاد. این کشور همچنین در شیراز و اصفهان نیز تجارتخانه‌هایی گشود.<sup>۱۴۹</sup> شاه عباس با واگذار کردن امتیاز خرید ابریشم به انگلیسی‌ها، زمینه را برای همکاری بعدی این کشور با ایران جهت اجرای سیاست خود در خلیج فارس آماده ساخت. به انگلیسی‌ها اجازه داده شد که سالیانه هزار تا سه هزار عدل ابریشم را به قیمت شش شیلینگ و شش پنس از ایران خریداری کنند و بدون پرداخت حقوق گمرکی از بندر جاسک حمل نمایند.<sup>۱۵۰</sup> پرتغالی‌ها، ورود انگلیسی‌ها به ایران را خطری جدی برای خود تلقی کردند و در جزیره هرمز مالیات سنگینی بر محموله‌های آنها بستند.<sup>۱۵۱</sup>

در سال ۱۰۲۷ ه. نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلستان درباره خرید ابریشم و بستن قراردادی در این زمینه با شاه عباس وارد مذاکره شدند. شاه عباس حاضر شد قراردادی با آنها منعقد سازد که بر اساس آن نمایندگان کمپانی هند شرقی، هر ساله، ششصد عدل ابریشم از ایران بخرند و در برابر آن وجه نقد و یا جنس بدهند. در ضمن قرار شد که تمام ابریشم ایران به آنها فروخته شود و ابریشمی از راه عثمانی به اروپا فرستاده نشود. شاه عباس با این قرارداد موافقت کرد، اما ارمنیان جلفا که از بزرگترین بازرگانان ابریشم بودند با آن مخالفت کردند. زیرا بخشی از ابریشم ایران به واسطه آنها از راه امپراتوری عثمانی به اروپا فرستاده می‌شد و این قرارداد به زیان تجارت آنها بود. شاه عباس نمایندگان اسپانیا و کمپانی هند شرقی و ارمنیان را به دیوان‌خانه دعوت کرد و فروش ابریشم را به مزایده گذاشت تا هرکس گرانتر خرید، به او بفروشد. ارمنیان برای اینکه

۱۴۸. لارنس لکهارت. انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران. ترجمه مصطفی قلی عماد، چ سوم، تهران، مروارید، ۱۳۶۸، ص ۴۱۱.  
 ۱۴۹. همان. ص ۴۱۲.  
 ۱۵۰. همان.  
 ۱۵۱. شاردن. همان. ج سوم، ص ۲۷۸.

دیگران را از میدان به در کنند، حاضر شدند ابریشم را به بهای گزافی؛ یعنی هر سی و شش من شاه را به پنجاه تومان، بخرند.<sup>۱۵۲</sup> اما زمانی که شاه عباس تصمیم گرفت که از انگلیسی‌ها در بیرون‌راندن پرتغالی‌ها کمک بگیرد، در معامله ابریشم با آنها به توافق رسید، و در سال ۱۰۲۹ هـ. به آنها اجازه داد که به گیلان بروند و هر نوع ابریشمی را که می‌پسندند، انتخاب کنند.<sup>۱۵۳</sup>

هلندی‌ها شش سال پس از انگلیسی‌ها؛ یعنی در سال ۱۰۳۳ هـ.، به ایران وارد شدند. وقتی که کشتیهای کمپانی هند شرقی هلند به جزیره هرمز وارد شد، الله‌وردی‌خان، حاکم شیراز با ارسال پیامی برای شاه عباس، ورود چهل کشتی هلندی را به وی اطلاع داد.<sup>۱۵۴</sup> مهمترین انگیزه هلندی‌ها در تجارت ابریشم ایران، رقابت با انگلستان برای به‌انحصار درآوردن تجارت ادویه با کشورهای جنوب شرق آسیا بود.<sup>۱۵۵</sup> در سال ۱۰۲۵ هـ. بازارهای اروپا از ادویه آسیا اشباع شده بود و سود تجارت ادویه کاهش یافت. کمپانی هند شرقی هلند تجارت ابریشم را که از پرفروش‌ترین کالاها در بازارهای اروپا بود، بر تجارت ادویه برگزید.<sup>۱۵۶</sup>

همکاری کمپانی هند شرقی انگلستان با شاه عباس در بیرون‌راندن پرتغالی‌ها و امتیازات تجاری که در اثر این همکاری به آنها واگذار گردید، باعث شد که دامنه تجارت هلند و انگلستان از جنوب شرق آسیا به ایران منتقل شود و آنها ابتکار عمل در زمینه تجارت ابریشم ایران را در دست بگیرند. در دوره حکومت شاه عباس دوم بیشتر ابریشم ایران توسط این کشور خرید می‌شد؛ به طوری که وقتی در سال ۱۰۵۲ هـ. سفیران دوک هلشتاین به ایران وارد شدند، هلندی‌ها تصور کردند که آنها برای خرید ابریشم ایران آمده‌اند و ممکن است تمام ابریشم ایران را خریداری نمایند. به همین دلیل حاضر شدند برای خرید هر بار ابریشم ایران که در آن زمان ۴۴ تومان می‌پرداختند، ۵۰ تومان

۱۵۲. نصرالله فلسفی. همان. ج پنجم، ص ۱۶۰۳.

۱۵۳. همان. ص ۱۶۰۴.

154. *A Chronicle of the Carmelite in Persia*, P. 130.

۱۵۵. ویلم فلور. اولین سفرای ایران و هلند. به کوشش داریوش مجلسی، حسین ابوترابیان، تهران، طهوری،

۱۵۶. همان. ص ۱۶.

۱۳۵۶، ص ۱۴.



پردازند. اما پس از رفتن سفیران دوک هلشتاین از قول خود عدول کرده و دوباره برای خرید هر بار ابریشم همان ۴۴ تومان را پرداختند. این عمل باعث شد که شاه صفی فرمان دهد که هلندی‌ها پیش از پرداخت حق گمرکی، مجاز به فروش کالاهای خود در ایران نیستند و بدین ترتیب فرمان معافیت گمرکی آنها لغو شد. سرانجام هلندی‌ها قیمت ۴۶ تومان برای هر بار ابریشم را پذیرفتند.<sup>۱۵۷</sup>

بر طبق ارزیابی هلندی‌ها، در سال حدود ۶۰۰۰ عدل ابریشم از ایران به اروپا به شرح زیر صادر می‌شد: مارس ۳۰۰۰ عدل، انگلستان ۶۰۰۰ عدل، هلند ۵۰۰ عدل، ونیز ۱۵۰۰۰ عدل، جنوا، مسینا، فلورانس و لورچا ۴۰۰ عدل.<sup>۱۵۸</sup>

بعدها میزان ابریشم خریداری‌شده هلند از ایران به سیصد عدل کاهش یافت.<sup>۱۵۹</sup> میزان خرید ابریشم هلندی‌ها از ایران تا دوره حکومت شاه سلیمان صفوی به همین میزان باقی ماند. در این دوره هلندی‌ها با شاه قراردادی منعقد کردند که بر اساس آن هر ساله سیصد بار ابریشم از ایران خریداری کنند و برای هر بار آن، علاوه بر قیمتی که در بازار به فروش می‌رسد، سه هزار لیور<sup>۱۶۰</sup> پردازند و در مقابل، از پرداخت هرگونه حقوق گمرکی معاف باشند.<sup>۱۶۱</sup>

در دوره حکومت شاه سلطان حسین تمام کالاهایی که از اصفهان به بندرعباس فرستاده می‌شد و دارای علامت امتیاز کمپانی هند شرقی هلند بود، بدون بازدید و گشوده شدن در گمرک از مرز می‌گذشت.<sup>۱۶۲</sup> هلندی‌ها تا پایان دوره صفویه همچنان بهترین خریدار ابریشم ایران بودند و پس از سقوط اصفهان و روی کار آمدن اشرف افغان، یک بار دیگر تأییدیه امتیازات پیشین خود را دریافت داشتند.<sup>۱۶۳</sup>

۱۵۷. تاورنیه. همان. ص ۲۴۴. ۱۵۸. ویلم فلور. همان. ص ۱۷.

۱۵۹. شاردن. همان. ج سوم، ص ۲۰۹.

۱۶۰. چهل‌دینج لیور برابر با یک تومان بود. در: باستانی پاریزی. همان. ص ۱۷۷.

۱۶۱. سانسون. همان. ص ۱۸۶.

۱۶۲. گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی. ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی ژان اوین، ترجمه پروین حکمت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۸۲.

۱۶۳. ویلم فلور. اشرف افغان بر تختگاه اصفهان. ترجمه ابوالقاسم سری، چ اول، تهران، توس، ۱۳۶۷.

یکی از مهمترین اقدامهای شاه عباس اول که در پیشرفت تجارت ابریشم مؤثر بود، کوچ دادن ارمنیان جلقا و اسکان آنها در نواحی مختلف ایران بود. در طی لشکرکشی شاه عباس در سال ۱۰۱۲ هـ. به شمال رود ارس و ارمنستان، ارمنیان به نواحی اطراف ایروان و از آنجا به شهرهای مختلف ایران کوچانده شدند. یکی از شهرهایی که از کانونهای اصلی ارمنیان گردید، شهر جلقا در کنار زاینده رود اصفهان بود که به همین منظور ساخته شده بود. گروهی از ارمنیان نیز در گیلان که از مراکز تولید ابریشم بود، ساکن شدند و گروهی دیگر برای افزایش تجارت ابریشم، در نواحی دیگر اسکان داده شدند. بیست و هفت هزار خانوار ارمنی در گیلان ساکن شدند که بیشتر آنها در اثر بدی آب و هوا، جان خود را از دست دادند. بیست و چهار هزار خانوار ارمنی در مازندران اسکان داده شدند. در این شهر نیز یک چهارم از ارمنیان زنده ماندند و بقیه در اثر بدی آب و هوا جان خود را از دست دادند. وقتی که کشیشان کارملیت در سال ۱۱۱۸ هـ. از جلقا دیدن کردند، ارمنیان ساکن جلقا اظهار داشتند که چهارصد هزار خانوار ارمنی توسط شاه عباس اول از محل زندگی خود کوچ داده شده‌اند.<sup>۱۶۴</sup>

چنان‌که اشاره شد، ارمنیان ایران ابریشم را از طریق امپراتوری عثمانی به کشورهای اروپایی صادر می‌کردند؛ و زمانی که شاه عباس تصمیم به تغییر راه تجارت با اروپا از طریق امپراتوری عثمانی گرفت، آنان با این مسئله مخالفت کردند و به شاه عباس پیشنهاد کردند که مایلند برای هر بار ابریشم پنجاه تومان؛ یعنی پنجاه سکه به وی بدهند، به شرطی که به آنها اجازه داده شود ابریشم خود را از راه امپراتوری عثمانی حمل کنند، زیرا زندگی آنها به این امر بستگی دارد.<sup>۱۶۵</sup> اما در اواخر دوره صفویه، ارمنیان راه تجارت از طریق امپراتوری عثمانی را به علت دوری و ناامنی راهها رها، و سعی کردند که از طریق روسیه که راهی کوتاهتر برای ارتباط با اروپا بود، کالاهای خود را به آنجا برسانند.

ص ۱۰.

164. *A Chronicle of the Carmelite in Persia*, P. 102-103.

۱۶۵. پیترو دلاواله. همان. ص ۴۴۳.



در سال ۱۱۱۰ هـ. فردی به نام خواجه ذاکار شری‌مانیان به عنوان نماینده بازرگانان ارمنی ساکن جلفا به مسکو رفت تا با روس‌ها در این زمینه گفتگو کند. در سال ۱۰۷۷ هـ. نیز دو نماینده دیگر از طرف ارمنیان جلفا به مسکو فرستاده شدند تا از روس‌ها برای صدور ابریشم خام از راه روسیه و از آنجا به کشورهای اروپایی اجازه بگیرند.<sup>۱۶۶</sup> آنان موفق شدند با کسب اجازه از روس‌ها کالاهای خود را از طریق مسکو به فنلاند، و بعد از طریق بندر ناوا به سوئد برسانند.<sup>۱۶۷</sup> اما به علت افزایش حقوق گمرکی در سوئد، تصمیم گرفتند راه خود را از روسیه به لهستان تغییر دهند و از طریق لهستان کالاهای خود را به اروپا برسانند. به همین دلیل در سال ۱۱۰۷ هـ. فردی به نام فیلیپ دوزاگلی از ارمنیان جلفا را جهت مذاکره با فریدریک کازیمیر، دوک دوکورلاند<sup>۱۶۸</sup> که منطقه‌ای در لتونی بود، به آنجا فرستادند. آنان موفق شدند با دوک دوکورلاند قراردادی منعقد سازند و کالاهای خود را از طریق لیو که مهمترین بندر در این منطقه بود، به لهستان برسانند.<sup>۱۶۹</sup> ارمنیان سه نوع ابریشم را از این طریق به اروپا حمل می‌کردند: شعربافی، لاهیجانی، و کنار. حقوق گمرکی که در این منطقه از آنان دریافت می‌شد، بر اساس مرغوبیت ابریشم بود. از دو لیور<sup>۱۷۰</sup> ابریشم شعربافی مبلغی معادل ۷۶ ریکسدال پول نقد؛ در برابر ورود دو لیور ابریشم لاهیجانی معادل ۶۰ ریکسدال، و در مقابل ورود دو لیور ابریشم کنار معادل ۴۰ ریکسدال حقوق گمرکی دریافت می‌شد.<sup>۱۷۱</sup>

در سال ۱۰۹۹ هـ. نیز میان کمپانی هند شرقی و نماینده ارمنیان، خواجه پانوس کلاتر از بازرگانان ارمنی اصفهان که در لندن اقامت داشت، قراردادی بسته شد که بر اساس آن مقرر گردید انگلستان از هندوستان و ایران، قسمت اعظم کالاهای بازرگانی ارمنیان را که قبلاً از راه زمین و از طریق عثمانی حمل می‌شد، از راه دریا به اروپا حمل نمایند.<sup>۱۷۲</sup>

۱۶۶. روبرتو گلبنگیان. همان. ص ۱۳۰. ۱۶۷. همان.

168. Frederic Casimir Duc Decourlande.

۱۶۹. روبرتو گلبنگیان. همان. ص ۱۳۴.

۱۷۰. هر لیور تقریباً نیم کیلو بود. در: شاردن، همان، ج ۴، پاورقی ص ۷۴.

۱۷۱. روبرتو گلبنگیان. همان. ص ۱۴۶.

۱۷۲. همان. ص ۱۳۸.

ارمنیان در اثر تجارت با اروپا به ثروت فراوانی دست یافتند. یکی از ثروتمندترین خانواده‌های ارمنی جلفا، خانواده شری‌مانیان بودند. پدر روحانی، الیاس دوست آلبر، در نامه‌ای که در سال ۱۰۹۴ ه. به انجمن مقدس در رم نوشته، درباره این خانواده چنین می‌نویسد: در اصفهان این خانواده پنجاه نفر خدمتکار دارند و صد نفر در امور مربوط به دادوستد و تجارتشان کار می‌کنند، سرمایه فراوانی در خارج از کشور دارند و مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ سکه طلا به شهر و نیز منتقل کرده‌اند که مبلغ صد سکه آن جهت مصرف در همان جا و بقیه در اختیار انجمن مقدس رم است.<sup>۱۷۳</sup> ثروت این خانواده هفتاد هزار تومان، به ارزش بیشتر از یک میلیون سکه بود.<sup>۱۷۴</sup>

با اجازه‌ای که پاپ اینوسان دوازدهم در سال ۱۱۰۷ ه. به این خانواده داد، دروازه‌های رم و آنکن بر روی کالاهای تجاریشان باز شد.<sup>۱۷۵</sup> افراد این خانواده به عنوان بازرگانانی ثروتمند در رم شناخته شده بودند.<sup>۱۷۶</sup>

درباره ثروت ارمنیان گفته شده است، در دوره شاه‌سلطان‌حسین چنان ثروتی به دست آوردند که مبلغ آن از صد هزار تا دو میلیون سکه طلا می‌رسید.<sup>۱۷۷</sup>

173. *A Chronicle of the Carmelite in Persia*, P. 485.

174. *idem*, P. 457.

۱۷۵. روبرتو گلبنگیان. همان. ص ۱۲۰.

176. *A Chronicle of the Carmelite in Persia*, P. 503.

۱۷۷. دوسرسو. همان. ص ۱۹۰.